

فرهنگ راهبردی ایرانیان و محدودیت‌های دیپلماسی قهری واشنگتن علیه تهران

10.30495/pir.2021.686948

مجید غلام پور^۱، غفار زارعی^۲، علی محمد حقیقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، «ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایرانیان بر واکنش تهران در برابر دیپلماسی قهرآمیز واشنگتن» است و این پرسش مطرح شده است که «فرهنگ راهبردی ایرانیان چه تأثیری بر پاسخ تهران در برابر خواسته‌های واشنگتن مبنی بر کوتاه آمدن از آرمان‌های انقلاب اسلامی داشته است؟» یافته‌های پژوهش که با روش‌شناسی استنتاجی به دست آمده و با تکیه بر قوه فهم فردی تجزیه و تحلیل شده‌اند، نشان می‌دهند که ۹ مؤلفه اصلی فرهنگ راهبردی ایرانیان در حوزه دیپلماسی و دفاعی شامل «شهادت‌طلبی»، «مقاومت»، «تأکید بر بازدارندگی»، «انعطاف‌پذیری تاکتیکی»، «ابهام راهبردی»، «صبر راهبردی»، «خوداتکایی»، «تنهایی راهبردی و احساس آسیب‌پذیری» و «رسالت رهبری اسلام و منطقه» و ۵ ویژگی نهفته در آنها شامل «دست یافتن به حقیقت توکل»، «شجاعت»، «زیرکی و خردگرایی»، «رهبری هوشمندانه و مدبرانه» و «ماهیت ترکیبی و چندبعدی» باعث شده است تا ایرانیان با درک ماهیت زیاده‌خواه و خود تقویت‌کننده دیپلماسی اجبار و بی بردن به اهمیت مقاومت در برابر فشارهای ایالات متحده مانع از شروع دومینوی باج‌خواهی‌های واشنگتن شوند. به همین دلیل، برهم‌کنش‌های چهار دهه گذشته میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده همواره یا بر پایه اصل «امتیاز در برابر امتیاز» یا «عمل متقابل» بوده است.

واژگان کلیدی: انعطاف‌پذیری تاکتیکی، خردگرایی، دیپلماسی اجبار، فرهنگ راهبردی ایرانیان، مقاومت

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ ghafarzarei@yahoo.com

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

۱- مقدمه

دیپلماسی اصلی‌ترین ابزار برهم‌کنش میان دولتی به شمار می‌آید و در کمتر شرایطی از سوی دولت‌ها کنار گذاشته می‌شود. حتی اگر موقعیت بازیگری در ضدیت کامل با دیگری باشد و درگیری غیرقابل اجتناب تصور شود، بازهم در بیشتر اوقات امکان یافتن منافع (دست‌کم مضار) مشترک میان آن‌ها و احتمال دستیابی به توافق وجود دارد. اگرچه در این شرایط رسیدن به وضعیت توافق ممکن است طول بکشد، اما کشف علایق بنیادین یکدیگر ارزش صرف چنین زمانی را دارد. چراکه گزینه جایگزین به احتمال فراوان بروز درگیری با احتمال خشونت گسترده در درازمدت و حتی حمله ناگهانی پیش‌دستانه یا پیشگیرانه علیه یکی از بازیگران خواهد بود.

یا اینکه دولت‌ها ممکن است بنا به دلایلی همچون الزامات حفظ پرستیژ یا ایدئولوژی، بسیار سرسخت باشند. در این حالت، مواضع سخت می‌شوند، افکار عمومی تهییج می‌شود، مخاطرات افزایش می‌یابند و حل تعارض به مراتب دشوارتر خواهد شد. در چنین شرایطی، دیپلمات‌ها ممکن است رویکرد سخت‌گیرانه‌تری همچون توسل به زبان تهدید را در پیش بگیرند. در ادامه، اگر مذاکرات فی‌مابین ثمربخش نباشد، دولت‌ها ممکن است به اعمال تحریم‌های اقتصادی یا حتی اقدام نظامی برای متقاعد نمودن طرف مقابل متوسل شوند، رویکردی که دیپلماسی قهری^۱ (اجبار یا قهرآمیز) خوانده می‌شود.

دیپلماسی قهری در صورت موفقیت، یک راهبرد کم‌هزینه برای دولت تهدیدگر محسوب می‌شود، اما در صورت شکست بسیار پرهزینه خواهد بود (Jakobsen, 1998: 1). باین‌همه، جذابیت دیپلماسی اجبار و ظرفیت بالقوه آن برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی با هزینه‌های پایین و نیز فقدان گزینه‌های دیگر میان دو سرطیف سازوکارهای همکاری و اقدام نظامی، راهبرد پردازان آمریکایی را پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در دنیای پسا جنگ سرد بر آن داشته است تا بر دیپلماسی قهری حتی در شرایطی که شانس موفقیت آن بسیار اندک است، تکیه کنند. مؤلفه‌های متعددی در موفقیت/شکست راهبرد دیپلماسی اجبار دخیل هستند که باورها و توانایی‌های مادی و معنوی بازیگر تهدید شده و درک این بازیگر از تهدید بیشترین نقش و تأثیر را بر عهده دارد. از این چشم‌انداز، محدودیت‌های واشنگتن در اعمال دیپلماسی قهرآمیز علیه تهران را باید در مفهوم و مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی^۲ جمهوری اسلامی ایران جستجو نمود. بر این پایه، مقاله حاضر بر آن است تا با تکیه بر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ راهبردی ایرانیان و ویژگی‌های اصلی آن، محدودیت‌های پیاده‌سازی دیپلماسی اجبار از سوی واشنگتن علیه جمهوری اسلامی ایران را شناسایی و تحلیل نماید. در حقیقت، هدف اصلی مقاله، «ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایرانیان بر واکنش تهران در برابر دیپلماسی قهرآمیز واشنگتن برای وادار ساختن جمهوری اسلامی ایران به کوتاه آمدن از آرمان‌های انقلاب اسلامی» است. از این رو، پرسش اصلی مقاله این‌گونه مطرح شده است که: «فرهنگ راهبردی ایرانیان چه تأثیری بر پاسخ تهران در برابر خواسته‌های واشنگتن مبنی بر کوتاه آمدن از آرمان‌های انقلاب اسلامی داشته است؟»

پاسخ به این پرسش نیازمند «شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ راهبردی ایرانیان در حوزه دیپلماسی و دفاعی» و نیز «کشف ویژگی‌های اصلی فرهنگ راهبردی ایرانیان در مواجهه با فشارهای ایالات‌متحده بر جمهوری اسلامی» است؛ بنابراین به دلیل ماهیت اکتشافی پژوهش و فقدان ادبیات کافی در این زمینه، ارائه پاسخ اولیه در برابر پرسش اصلی مقاله ممکن و ضروری نیست و پاسخ نهایی پس از انجام پژوهش در بخش نتیجه‌گیری ارائه شده است. مقاله پیش‌رو از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از روش‌شناسی استنتاجی بهره برده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها به‌طور عمده با شیوه استدلال و تحلیل کیفی انجام پذیرفته است. گردآوری اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای و اینترنتی با تکیه بر شواهد عینی و داده‌های تاریخی صورت پذیرفته است. همچنین

1. Coercive Diplomacy

2. Strategic Culture

به‌منظور رعایت بی‌طرفی در انجام پژوهش از منابع انگلیسی و گزارش‌هایی که منابع غربی از جمله اتاق فکرهای آمریکایی در خصوص فرهنگ راهبردی ایران منتشر نموده‌اند نیز در فرایند گردآوری داده‌ها استفاده شود.

۲- پیشینه پژوهش

آثار پژوهشی فراوانی پیرامون دیپلماسی اجبار ایالات‌متحده علیه برخی بازیگران از جمله لیبی، عراق، کره شمالی و ایران به فارسی و انگلیسی وجود دارد که در این رساله از محتوا، یافته‌ها و نتایج آن استفاده خواهد شد. علاوه بر این، آثار علمی مربوط به فرهنگ راهبردی ایران نیز فراوان است. شرح مختصر مهم‌ترین این آثار در زیر آمده است:

گرامی^۱ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ راهبردی ایران: نشانه‌هایی برای سیاست هسته‌ای»، به ارزیابی محرک‌های اصلی فرهنگ راهبردی ایران و مفاهیم گسترده آن بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های هسته‌ای تهران پرداخته است. نویسنده در این مقاله عنوان می‌دارد که طرفداران استفاده از فرهنگ راهبردی به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی از رویکرد دشمن‌شناسی پشتیبانی می‌کنند تا سیاست‌مداران بتوانند راهبردهای بازدارنده مناسب را با شناخت بهتر دولت‌های حریف ارائه دهند. این منطق اگرچه در حال حاضر زیربنای بسیاری از تصمیم‌های سیاسی ایالات‌متحده در خاورمیانه است، اما به اعتقاد نویسنده، تحقیقات علمی در این کشور در ارزیابی تأثیر فرهنگ راهبردی ایران بر تصمیم‌های سیاست خارجی ایران ناموفق بوده‌اند.

امینیان و صانعیان (۱۳۹۶) در مقاله «دیپلماسی اجبارآمیز و حقوق بین‌الملل: با تأکید بر نقش شورای امنیت» از ابزار تحریم به‌مثابه شرایط زمینه‌ای توفیق دیپلماسی اجبارآمیز از طریق سازمان‌های بین‌المللی یاد کرده‌اند و نقش شورای امنیت را در تشکیل انواع محاکم کیفری و سپس کمیسیون شبه قضایی غرامت با توجه به منشور ملل متحد و حدود اختیارات این شورا موردنقد و ارزیابی قرار داده‌اند. به عقیده ایشان، کارایی دیپلماسی اجبارآمیز در صورت بهره‌گیری از نهادهای قضایی و سازمان‌های بین‌المللی تشدید خواهد شد. از آنجاکه دیپلماسی اجبار در این مقاله از چشم‌انداز حقوق بین‌الملل به بحث گذاشته شده است، مباحث فرهنگی و عقیدتی مغفول مانده‌اند.

شیر خانی و طاهر خانی (۱۳۹۵) در مقاله «آزمون استراتژی‌های قهری قدرت‌های بزرگ در منازعات نامتقارن با بهره‌گیری از نظریه هان» عنوان داشته‌اند از آنجاکه تهدیدات قهری دولت‌های قدرتمندتر به‌واسطه تعیین مجازات شدیدتر در ازای نافرمانی طرف مقابل علی‌القاعده دارای تأثیر هستند، بنابراین دولت‌های ضعیف قاعدتاً باید تسلیم درخواست‌های قهری قدرت‌های بزرگ شوند تا گرفتار مجازات آن‌ها نشوند. با این‌همه، نویسندگان مطالعات تجربی و شواهدی ارائه کرده‌اند که عکس این قضیه و در واقع ناکامی راهبرد قهری و بروز مقاومت از سوی دولت‌های ضعیف علیه این راهبرد را نشان می‌دهند.

محسنی چراغلو^۲ (۲۰۱۵) در رساله دکتری خود با عنوان «زمانی که اجبار پس‌زده می‌شود: محدودیت‌های دیپلماسی اجبار بر ایران» نتایج اکثر پژوهش‌گران پیشین مبنی بر ناکامی عمومی ایالات‌متحده در کاربرد دیپلماسی اجبار علیه تهران را مورد تأیید دوباره قرار داده است. نویسنده، ریشه شکست مکرر واشنگتن در اعمال دیپلماسی اجبار علیه ایران را در غفلت راهبرد پردازان آمریکایی از واقعیت‌های داخل ایران می‌داند. به گفته وی، تحریم‌های واشنگتن علیه تهران حتی مخالفان سیاست هسته‌ای در داخل ایران را نیز به حمایت از این برنامه واداشته است. در واقع، نویسنده معتقد است که راهبرد فشار واشنگتن علیه برنامه هسته‌ای تهران نه تنها به تضعیف آن منجر نشده، بلکه باعث تقویت آن نیز شده است.

به‌رغم ادبیات نسبتاً غنی در دو حوزه دیپلماسی اجبار و فرهنگ راهبردی ایرانیان، تاکنون هیچ پژوهشی در داخل یا خارج کشور به ارزیابی تأثیر این دو متغیر بر یکدیگر از جمله بررسی نقش مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی بر موفقیت/شکست دیپلماسی قهرآمیز

^۱ Nima Gerami

^۲ Ebrahim Mohseni-Cheraghlo

واشنگتن علیه تهران با هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران نپرداخته است. از این رو، مقاله حاضر به لحاظ موضوع منحصر به فرد به شمار می‌آید.

۳- ادبیات و مبانی نظری پژوهش

۳-۱ دیپلماسی قهری

از اواخر دهه ۱۹۵۰ که اهمیت گزینه جنگ تمام‌عیار نزد هر دو ابرقدرت رو به افول نهاد، مطالعه و کشف جایگزین‌های جنگ تمام‌عیار و تلاش برای اثربخشی آن‌ها در دستور کار راهبرد پردازان و پژوهش‌گران سیاسی و نظامی قرار گرفت. دانیل السبرگ^۱ (1968) احتمالاً نخستین اندیشمندی بود که آنچه بعدها به مثابه تئوری وادارندگی^۲ شناخته شد را طی سخنرانی خود در ۱۰ مارس ۱۹۵۹ با عنوان «نظریه و عمل باج‌خواهی»^۳ در موسسه لاول^۴ بوستون به شکل قاعده‌مند تدوین نمود. باین‌حال، توماس شلینگ^۵ شناخته‌شده‌ترین نظریه‌پرداز محسوب می‌شود که با به‌کارگیری مفاهیم نظریه بازی‌ها در درک چگونگی چانه‌زنی بازیگران دولتی در محیط‌های راهبردی، نقش برجسته‌ای در حوزه مطالعاتی بازدارندگی ایفا نموده است.

بر پایه نظریه شلینگ (1960: 5-7)، از آنجا که «اغلب وضعیت‌های مناقشه اساساً وضعیت‌های چانه‌زنی هستند»، در شرایطی که هر طرف دست‌کم بر بخشی از خواسته‌های طرف مقابل کنترل دارد و میزانی از منافع مشترک وجود دارد که بدون نوعی هماهنگی (اگر نه همکاری) قابل حصول نیست، راهبرد مواجهه با وضعیت‌های مناقشه باید بیشتر به «بهره‌برداری از نیروهای بالقوه» و نه «کاربرد زور» معطوف شود.

باین‌همه، نظریه شلینگ به‌طور ویژه متوجه راه سومی است که دولت‌ها می‌توانند برگزینند: نه هماهنگی و نه توسل به زور، بلکه اجبار یا تهدید به کاربرد زور. نظریه شلینگ با استناد به نظریه سود مورد انتظار^۶، این پیش‌فرض را مطرح می‌سازد که بازیگر تحمیل‌گر یا تهدیدگر تنها در صورتی به هدف خود خواهد رسید که بتواند طرف مقابل را متقاعد سازد که هزینه‌های عدم تبعیت بسیار فراتر از مزایای مقاومت است. به عبارت دیگر، بر پایه پیش‌بینی نظریه شلینگ، هنگامی که هزینه مورد انتظار ناشی از تهدید بیش از سود پیش‌بینی شده برای مقاومت باشد، اجبار باید مؤثر واقع شود (عین‌الهی، ۱۳۹۸: ۲۴).

شلینگ (1966: 69-78) اجبار را به دو زیرگروه اصلی بازدارندگی (کوششی در جهت منصرف ساختن طرف مقابل از انجام کاری به واسطه ترس از تلافی) و وادارندگی (تلاشی در جهت متقاعدسازی از روی جدیت طرف مقابل برای انجام کاری که مطلوب تهدیدکننده است) تقسیم می‌کند. در هر صورت، موفقیت بازدارندگی و وادارندگی مشروط به پذیرش ذهنی اعتبار تهدید قدرت بازدارنده یا وادارنده از سوی طرف مقابل است (شاملو و تسلیمی کار، ۱۳۹۸: ۲۲).

در ادامه، الکساندر جرج^۷ و همکارانش (1971: ix-xviii) با وام‌گیری از مفهوم وادارندگی، نظریه دیپلماسی اجبار را باهدف کشف متغیرهای متعدد نقش‌آفرین در موقعیت‌های حقیقی وادارندگی و تدوین چارچوبی برای ارتقای تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی ارائه کردند. نظریه جرج و همکارانش در اصل به «استفاده‌های پدافندی از راهبرد»^۸ محدود بود، یعنی تلاش برای متقاعد ساختن حریف برای متوقف کردن و/یا خنثی کردن کنشی که پیش‌تر آغاز کرده است (George, 2009: 5).

1. Daniel Ellsberg

2. Compellence Theory

3. The Theory and Practice of Blackmail

4. Lowell Institute

5. Thomas Schelling

6. Expected Utility Theory

7. Alexander George

8. defensive Uses of Strategy

به عبارت دیگر، درحالی که شلینگ واژه وادارندگی را برای تمایز بین اشکال فعال و منفعل اجبار ابداع کرده بود، جرج با ایجاد تمایز بین کاربردهای دفاعی و تهاجمی وادارندگی، نظریه شلینگ را به گام منطقی بعدی خود برد و آن را شکل دفاعی دیپلماسی اجبار نامید. از این چشم‌انداز، دیپلماسی قهری به‌طور عملیاتی فرآیندی دیپلماتیک همراه با نمایش قدرت، اعمال تحریم، تهدید به استفاده از زور و یا حتی کاربرد محدود زور است تا از انگیزه طرف مقابل برای مقاومت و تداوم سیاست‌های خود بکاهد و با القای هزینه‌های سنگینی که در صورت عدم تمکین باید متحمل شود، محاسباتش را تغییر دهد و درخواست اجبار کننده را بپذیرد (امینیان و صانعیان، ۱۳۹۶: ۹).

تقاضا، تهدید و فشار زمانی، سه عامل ترسیم‌کننده دیپلماسی اجبار به شمار می‌آیند (George, 2009: 7). نخست، باید یک خواسته مشخص آشکارا در مقابل حریف بیان شود. هدف این خواسته، توقف یا معکوس کردن اقدامی خواهد بود که حریف آن را شروع کرده است. تقاضا باید نزد حریف به‌عنوان یک الزام درک شود و نباید هیچ ابهامی در مورد آنچه به‌طور دقیق مورد نیاز است، وجود داشته باشد. دوم، تقاضا باید با تهدیدی که اغلب صریح است، پشتیبانی شود. درواقع، ایده کلی دیپلماسی قهری، پشتیبانی از یک خواسته تحمیل‌شده به حریف با تهدید به مجازات در صورت عدم اجابت است، به شرطی که تهدید به اندازه کافی قوی و باورپذیر باشد تا حریف را به پذیرش این تقاضا متقاعد سازد یا به عبارت بهتر، با القای تحمیل هزینه‌های به‌اندازه کافی سنگین به حریف، انگیزه‌های وی را برای ادامه فعالیت تضعیف نماید (George, 2009: 11). سوم، داشتن تقاضا همراه با تهدید کافی نیست و دیپلماسی قهرآمیز برای موفقیت نیاز به نوعی فشار زمانی دارد. حریف، تهدید را به‌مثابه اجبار باور نخواهند کرد، مگر اینکه با ضرب‌الاجلی برای موافقت همراه باشد (Jakobsen, 1998: 29). درنهایت نیز موفقیت یا شکست دیپلماسی قهری به برآورده شدن یا نشدن این تقاضا بستگی دارد.

دیپلماسی قهری شاید به لحاظ نظری رویکردی مؤثر برای متقاعد ساختن مخالفان از سوی قدرت‌های بزرگ به نظر برسد، اما در عالم واقع، بسیاری از عوامل باید برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز این دیپلماسی در دسترس باشند که همه آن‌ها تحت کنترل قدرت تهدیدکننده نیستند. از این رو، دیپلماسی قهری اگرچه گاهی اوقات جایگزینی جذاب برای عدم اقدام و یا اقدام به جنگ به نظر می‌رسد، اما کاربرد آن مشکل و نرخ موفقیت آن پایین بوده است (Art and Cronin, 2003: 403). نکته دیگر اینکه دیپلماسی قهری لزوماً به شکست یا موفقیت منتهی نمی‌شود و دولت مورد تهدید ممکن است بخشی از تقاضا را بپذیرد و یا شرایطی برای پیاده‌سازی آن تعیین کند. در این حالت، راهبرد دیپلماسی اجبار می‌تواند بسته به نگاه دولت تهدیدگر/تهدیدشونده به‌مثابه یک موفقیت نسبی یا شکست نسبی تلقی شود (Sauer, 2007: 6).

۲-۳ فرهنگ راهبردی

فرهنگ راهبردی آمیزه‌ای از مجموعه باورها، ایدئولوژی (عمدتاً دولتی)، پنداشتن‌ها، تجارب تاریخی، جغرافیا، منابع اقتصادی و الگوهای رفتاری همگانی برگرفته از تجربیات و روایت‌های (شفاهی و کتبی) به لحاظ عمومی پذیرفته‌شده است که هویت جمعی، روابط با گروه‌های دیگر و فرآیند تصمیم‌گیری راهبردی یک ملت را شکل می‌دهند و اهداف و ابزارهای مناسب برای دستیابی به اهداف امنیتی را تعیین می‌کنند (Gray, 1981: 35-37). پژوهش‌های زیادی تاکنون در رابطه با فرهنگ راهبردی ایران معاصر به‌ویژه در داخل کشور انجام پذیرفته که وجه مشخصه بیشتر آن‌ها تأکید بر «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران» بوده است. بر پایه اطلاعات گردآوری‌شده از ادبیات پژوهش، اصلی‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ راهبردی ایرانیان شامل اسلام شیعی، حافظه تاریخی، اقتصاد نفتی، جغرافیا، تجربه جنگ تحمیلی و درک واقعیت‌های منطقه و جهان هستند (عسگری، ۱۳۹۷: ۸۷-۱۲۷؛ ولی زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۶۶؛ ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۶۲). هرکدام از این مؤلفه‌ها به‌نوبه

خود ویژگی‌هایی را به فرهنگ راهبردی ایرانیان تزریق نموده‌اند که برجسته‌ترین آن‌ها در حوزه دیپلماسی و دفاعی ذیل الگوی مفهومی تحقیق ارائه شده‌اند.

۳-۳ الگوی مفهومی پژوهش

روابط میان متغیرهای پژوهش و اجزای آن‌ها را می‌توان در قالب الگوی مفهومی زیر تدوین نمود. این الگو در حقیقت، چگونگی درک تهدیدها و اولویت‌بندی گزینه‌های پیش‌روی تهران در مواجهه با فشارهای واشنگتن برای کوتاه آمدن از آرمان‌های انقلاب اسلامی در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی را از چشم‌انداز ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایرانیان نشان می‌دهد. بر پایه این الگو، ۹ ویژگی بارز فرهنگ راهبردی ایرانیان در حوزه دیپلماسی و دفاعی در کنار یکدیگر همچون دژی محکم، دیپلماسی قهرآمیز واشنگتن علیه تهران را در محاصره خود قرار داده و به این ترتیب مانع از تحقق اهداف ایالات متحده آمریکا در اعمال فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران شده است.



شکل شماره (۱): الگوی مفهومی تحقیق

در حقیقت، این ۹ عنصر متغیرهای مستقل پژوهش را تشکیل می‌دهند که بر متغیر وابسته یعنی دیپلماسی اجبار واشنگتن علیه تهران تأثیر می‌گذارند و آن‌ها محدود می‌سازند. گزینش نهایی این ۹ عنصر با تدقیق در ادبیات پژوهش و ترکیب آن با قوه استنباط فردی نویسندگان مقاله در جریان انجام پژوهش با جرح و تعدیل‌های چندباره صورت پذیرفته است. در ادامه، ضمن شرح کوتاه‌نه ویژگی اصلی ارائه‌شده در الگوی مفهومی تحقیق، چگونگی نقش‌آفرینی آن‌ها در محدودسازی دیپلماسی قهری واشنگتن علیه تهران به‌طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۴- تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۴-۱ شهادت‌طلبی

بی‌شک، اسلام شیعی با جهت دادن باورها، ارزش‌ها، اولویت‌ها و تلاش‌های فردی و جمعی نسل‌های متمادی مردمان ایران زمین طی سده‌های گذشته، بیشترین نقش را در شکل دادن به فرهنگ راهبردی ایرانیان داشته است (Halm, 2007: 16). کلیه سیاست‌ها و برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران در تمامی عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی حتی در زمینه مدارا با اقلیت‌های مذهبی بر پایه فرهنگ شیعه تدوین شده است. شهادت یکی از ارزش‌های سیاسی و اعتقادی شیعیان و احتمالاً محوری‌ترین مفهوم در فرهنگ شیعی به شمار می‌آید. این ارزش بزرگ در فرهنگ سیاسی تشیع با نام حسین بن علی (علیه‌السلام) ملقب به سیدالشهدا درهم آمیخته و این باور در اذهان ایرانیان نهادینه شده است که خون شهید راه خدا را هموار و موانع را مرتفع

می‌سازد (مسعود نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۹). یک جامعه با تبدیل فرهنگ شهادت‌طلبی به یک سرمایه اجتماعی مؤثر از طریق ترویج آن میان افراد، خانواده‌ها، اجتماع و حاکمان (سبزواری، ۱۳۹۵: ۲) می‌تواند معادله‌های نبرد و موازنه قدرت/تهدید در برابر حریف را بر پایه عنصر ایمان برهم بزند. در جمله معروف حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) مبنی بر اینکه «خون بر شمشیر پیروز است» نیز خون مظهر آمادگی جنود اسلام برای شهادت و شمشیر نماد نفرت و جنگ‌افزارها به شمار می‌آیند (طارمی، ۱۳۹۵: ۹۵).

شهادت‌طلبی بر پایه شواهد عینی و تحلیل‌های نظری موجود کماکان جایگاه مستحکم خود را در فرهنگ راهبردی ایرانیان حفظ کرده است. تا سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۲۱۰۰ نفر از ایرانیان شامل ۶۵ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی جان خود را در نبرد با داعش و دیگر گروه‌های تکفیری و در راه دفاع از حرم اهل بیت (ع) فدا کرده‌اند و باب شهادت در این جبهه همچنان مفتوح است و این تعداد همچنان رو به افزایش است (ایسنا، ۱۳۹۹؛ آنا، ۱۳۹۹). شهادت ناجوانمردانه سردار حاج قاسم سلیمانی نیز نه تنها جان تازه‌ای بر این بعد از فرهنگ راهبردی ایرانیان دمید، بلکه روحیه شهادت‌طلبی را در سراسر محور مقاومت تقویت کرد. در حقیقت، حضور وصف‌ناپذیر مردم ایران و عراق و بسیاری از گروه‌های جهادی در مراسم تشییع جنازه شهید سلیمانی و هم‌زمان ایشان و ابراز آمادگی موج خروشنده مردم برای شهادت در راه آرمان‌های اسلام و مبارزه علیه جبهه استکبار نشان داد که شهید سلیمانی برای دشمنان ایران و اسلام بسیار خطرناک‌تر از سردار سلیمانی است.

۴-۲ مقاومت

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ضمن به رسمیت شناختن حس مشترک ایرانیان مبنی بر اجحاف قدرت‌های غربی به ایران در طول تاریخ با معرفی ایدئولوژی شیعی «مقاومت در برابر ظلم» تأثیر زیادی بر فرهنگ و هویت راهبردی ایران گذاشت (Thaler et al. 2010: 13). تدابیر جمهوری اسلامی ایران برای پرورش فرهنگ مقاومت که بر پایه ارزش‌های اخلاقی و معنوی انقلاب اسلامی بنا شده، نه تنها ایران را در برابر نفوذ فرهنگی براندازانه از خارج ایمن ساخته، بلکه در تلاش‌های این کشور برای اعمال نفوذ بر دشمنانش و مقابله با آن‌ها نیز مؤثر واقع شده است (Eisenstadt, 2015: 22). رهبری سرنوشت‌ساز ایران بر محور مقاومت^۱ نیز به لحاظ عملی با تهییج روحیه مقاومت ایرانیان، تقویت چهره ایران به مثابه طلایه‌دار جهان اسلام و افزایش سطح انتظارات آزادی‌خواهان و مظلومین منطقه و جهان از تهران برای تداوم مبارزه علیه ظلم و استکبار، مفهوم مقاومت را با هویت جمهوری اسلامی ایران پیوند زده است (Gerami, 2018: 78). از این چشم‌انداز، مقاومت بنا به ماهیت برساخته و بین‌الذهانی این انگاره (فروزان و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۷-۴۸) همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از راهبرد دفاعی ایران، حتی در دوران صلح، باقی خواهد ماند. در حقیقت، در صورت آمیختگی راهبرد دفاعی یک کشور با مفهوم مقاومت همیشگی، نه محدود به زمان جنگ، و تثبیت این ضرورت در اذهان فرماندهان، سربازان و شهروندان آن کشور، کار ویژه مقاومت نیز به تدریج از پدیده‌ای ایزاری برای رسیدن به هدف به سمت هدفی متعالی و قائم‌به‌ذات حرکت می‌کند. در این شرایط دیگر «هزینه مورد انتظار ناشی از تهدید» را نمی‌توان با «سود مقاومت» سنجید، زیرا رها کردن مقاومت به معنای گذشتن از هدف خواهد بود. این استدلال‌ها را می‌توان در فرمایش رهبر فرزانه انقلاب در زمان مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام به خوبی مشاهده کرد: «شما هرچه عقب‌نشینی کنید، می‌آیند جلو؛ هرچه شما یک‌قدم عقب بروید، آن‌ها یک‌قدم می‌آیند جلو؛ دستگاه استکبار، دستگاه ترحم و انصاف و انسانیت و ملاحظه که نیست؛ هرچه شما عقب بروید، آن‌ها جلو می‌آیند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۱).

^۱ Axis of Resistance

۳-۴ تأکید بر بازدارندگی

سنگ بنای راهبرد نظامی جمهوری اسلامی ایران را بازدارندگی از طریق امتناع^۱ تشکیل می‌دهد. راهبرد نظامی بازدارندگی از طریق امتناع ضمن رد استفاده از روز برای کسب دستاوردهای مادی به‌کارگیری آن را تنها هنگام دفاع از سرزمین و جامعه گسترده‌تر مسلمانان مجاز می‌شمارد. پذیرش این اصل از سوی تهران در حقیقت بر پایه عمل به اصول و تعالیم اسلامی بوده است (Taremi, 2014: 2). حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) با درک عمیقی که از این اصل حاصل کرده بودند پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مقابل طرح شعار انحلال ارتش به شدت ایستادگی و مخالفت نمودند و به‌صراحت فرمودند که: «ایران ارتش لازم دارد، اسلام ارتش می‌خواهد» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۴: ۴۴۲). ایشان کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پیامی به ملت تحرکات برای تعرض به ارتش را نیز ختنی کردند: «ارتش و شهربانی و ژاندارمری اکنون در خدمت اسلام هستند و از ملت هستند. باید ملت از آنان پشتیبانی کند و کاری که موجب آزردهی و دل‌سردی آنان است را انجام ندهد» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۶: ۲۶۳). درایت‌های بنیان‌گذار عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی در حمایت از تقویت نیروی نظامی و رهنمودهای برجسته‌ترین به‌حق ایشان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در گسترش کمی و کیفی زرادخانه سلاح‌های بازدارنده ایران باعث شده است تا امروزه کشورمان به اذعان بسیاری از تحلیل‌گران ارشد نظامی به قدرت بازدارندگی توان موشکی در برابر ایالات متحده و هم‌پیمان منطقه‌ای این کشور دست‌یافته باشد.

برای مثال، هری کازیانیس^۲، مدیر مطالعات دفاعی مرکز منافع ملی^۳، پس از سیلی تهران به واشنگتن در پی ترور سردار شهید قاسم سلیمانی گفته بود: «هدف ایران از حمله به پایگاه‌های آمریکایی در عراق این است که نشان دهد آن‌ها اساساً می‌توانند به راحتی خسارت وارد کنند» (CNBC, 2020). ضمن اینکه بازدارندگی ایران بیش از آنکه مادی و نظامی باشد از ماهیت نرم و مردمی برخوردار است و به گفته مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) «واقعیت آن است که در تمامی سال‌های متمادی، حضور ملت در صحنه، موجب رفع سایه جنگ و تعرض از سر ایران شده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲).

۴-۴ انعطاف‌پذیری تاکتیکی

خردگرایی^۴ و به‌نوعی زیرکی نهفته در فرهنگ راهبردی ایرانیان - که در عناصر ابهام راهبردی و صبر راهبردی نیز مشهود است - به تهران امکان به تأخیر انداختن مواجهه با چالش‌ها بسیار شدید تا زمان یافتن راهی برای بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌ها و نقاط فشار دشمن را می‌دهد (Stanley, 2009: 143). از این عنصر فرهنگ راهبردی ایرانیان می‌توان با عنوان انعطاف‌پذیری تاکتیکی نام برد که خود ترکیبی از چند عنصر اصلی و فرعی دیگر این فرهنگ از جمله ابهام راهبردی و صبر راهبردی می‌شود که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پایه‌های انعطاف‌پذیری تاکتیکی بر خردگرایی استوار است. بر این پایه، دفع ضرر محتمل در صورتی که با کسب پیروزی‌های نرم قطعی همراه باشد، می‌تواند به‌مثابه یک تاکتیک خوب انتخاب شود. بارزترین کاربرد این تاکتیک طی سال‌های گذشته در سیاست‌گذاری راهبردی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به انعقاد برجام نسبت داد که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با استعاره از پیمان صلح امام حسن (سلام‌الله‌علیه) آن را به نرمش قهرمانانه تعبیر کردند. همان‌گونه که نقض آشکار این پیمان از سوی معاویه به بیداری جامعه مسلمانان و بیزاری آن‌ها از سلسله خدعه و نیرنگ بنی‌امیه منجر شد، خروج ایالات متحده از برجام و بی‌کنشی اروپا در عین پابندی تهران به مفاد آن نیز بی‌اعتباری غرب را حتی در خود جوامع غربی به دنبال داشت. در مقابل، همان‌گونه که پیمان صلح امام حسن (سلام‌الله‌علیه) از خونریزی در بین مسلمانان جلوگیری کرد، از سرزمین‌های اسلامی در برابر هجوم احتمالی بیزانس محافظت کرد و باعث شد مسلمانان به اشتباهشان در ترک امامان خود پی

1. Deterrence by Denial

2. Harry Kazianis

3. Center for the National Interest

4. Rationality

بیرند (Mohseni-Cheraghloou, 2015: 345-346)، حتی به‌رغم تحریم‌های شدید ایالات‌متحده علیه جمهوری اسلامی ایران متعاقب خروج واشنگتن از برجام، تنها معدودی از کشورهای متخاصم از این تحریم‌ها حمایت کردند و اغلب دولت‌ها تنها از سر اجبار به آن‌ها تن داده‌اند. درحالی‌که پیش از برجام اجماع جهانی گسترده‌ای شامل اغلب دولت‌های دوست ایران علیه تهران شکل گرفته بود. بر این پایه، به‌رغم تمام انتقادهای وارده بر برجام این تاکتیک توانست در دیپلماسی اجبار واشنگتن علیه جمهوری اسلامی ایران رخنه ایجاد کند و برای تهران زمان بخرد.

۴-۵ ابهام راهبردی

بسیاری از تحلیل‌گران ارشد نظامی، ابهام را یکی از ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایرانیان در مواجهه با دشمن می‌پندارند. مایکل آیزنشتات^۱، مدیر بخش مطالعات نظامی و امنیتی مؤسسه واشنگتن^۲، بر این دیدگاه است که: «هیچ‌چیز در ایران سیاه‌وسفید نیست؛ ابهام و سایه‌های خاکستری حکم‌فرما هستند. ابهام هم یک ویژگی معرف فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید و هم بازتابی از این واقعیت است که این ویژگی اغلب از سوی جمهوری اسلامی به‌مثابه تدبیری جنگی برای سردرگم ساختن دشمنانش به کار گرفته می‌شود» (Eisenstadt, 2015: 3). از این چشم‌انداز، ابهام یک هنجار فرهنگی است که زندگی سیاسی ایرانیان را تعریف می‌کند و به تهران این امکان را می‌دهد تا ایدئولوژی دینی را با واقعیت‌های ژئوراهبردی متوازن سازد. این ابهام در سیستم سیاسی ایران را می‌توان ذیل مفهوم دوگانگی یا ثنویت^۳ توضیح داد، انگاره‌ای که بر پایه آن هر تصمیم سیاسی دو چهره یا وجه دارد که یکی قابل‌رؤیت و دیگری پنهان است (Gerami, 2018: 84). این ویژگی، کاربرد دیپلماسی اجبار علیه تهران را دشوار می‌سازد، زیرا پیش‌بینی پیامدهای تهدید به کاربرد زور علیه تهران را پیچیده ساخته و تعداد سناریوهای محتمل را به‌شدت افزایش می‌دهد که محاسبه و ملاحظه همه آن‌ها ممکن نیست. مقام‌های ایرانی از ابهام به‌عنوان ابزاری برای افزایش عدم اطمینان دشمن از توان نظامی تهران و ایجاد یک عامل بازدارنده روانی در برابر اخذ تصمیم دشمن برای حمله به این کشور استفاده می‌کنند. متعهد ماندن به برجام به‌رغم خروج ایالات‌متحده از آن و بی‌کنشی اروپا و درعین‌حال ارتقای کمی و کیفی اورانیوم غنی‌شده بیش از میزان قیدشده در این توافق‌نامه نیز پیش‌بینی گام‌های بعدی تهران در این سیر را مشکل ساخته است.

۴-۶ صبر راهبردی

فرهنگ ایرانی، صبر راهبردی یا دستاوردهای طولانی‌مدت را در فرآیندهای تصمیم‌گیری و صورت‌بندی خط‌مشی‌ها ارج می‌نهد. ویژگی صبر راهبردی در جمهوری اسلامی ایران بیش از آنکه در سطح اجرایی و اداری وجود داشته باشد در عالی‌ترین سطوح تصمیم‌سازی نظام به چشم می‌خورد. این ویژگی علاوه بر اینکه استمرار و پیوستگی سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران فارغ از تغییرات در سطح قوای سه‌گانه را نشان می‌دهد برای دشمنان نیز شکی نسبت به مقابله‌به‌مثل تهران در برابر هرگونه تجاوز احتمالی به منافع و مرزهای میهن اسلامی باقی نمی‌گذارد. در حقیقت، صبر راهبردی به مقام‌های ایرانی اجازه می‌دهد در زمان، مکان و تحت شرایطی که خود تعیین می‌کنند به دشمن پاسخ بدهند (Pollack, 2004: 273-275). این مؤلفه مانع از تحقق بسیاری از تهدیدهای دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران شده است، زیرا همان‌گونه که مقام‌های ایرانی بارها تأکید داشته‌اند، دشمن شاید بتواند جنگ علیه ایران را آغاز کند، اما کنترل و پایان آن یقیناً دست آن‌ها نخواهد بود. گرایش تهران به درگیری‌های غیرمستقیم و جنگ‌های نامتقارن علیه قدرت‌های بزرگ نیز بر اثربخشی صبر راهبردی جمهوری اسلامی ایران افزوده است، زیرا قدرت این کشور در انتخاب زمان، مکان و شرایط مناسب برای تلافی را دوچندان می‌سازد. از این چشم‌انداز، صبر راهبردی

1. Michael Eisenstadt

2. The Washington Institute

3. Duality

یک جنبه از فرهنگ رهبری است که توسل به زور را در درجه نخست مردود می‌شمارد و به دنبال بازدارندگی در برابر تهدیدها و متقاعد ساختن دشمن به پرهیز از عملیات نظامی تهاجمی است.

۴-۷ تنهایی راهبردی و احساس آسیب‌پذیری

جمهوری اسلامی ایران از بدو پیدایش به لحاظ راهبردی تقریباً تنها و فاقد هم‌پیمانان قابل اتکا در منطقه و جهان و یا یک قدرت بزرگ پشتیبان بوده است که از این وضعیت تحت عنوان «تنهایی راهبردی»^۱ ایران نام‌برده می‌شود (Eisenstadt, 2015: 11). مفهوم تنهایی راهبردی ایران اشاره به واقعیتی دارد که در آن «ایران، چه آگاهانه و خودخواسته و چه ناخواسته و از روی ناچاری به‌گونه‌ای راهبردی، تنها و فاقد اتحادهای معنادار و متصل به قدرت‌های بزرگ است» (Mesbahi, 2011: 14). تنهایی راهبردی از یکسو ایران را از تعهد به قدرت‌های بزرگ معاف نموده و از سوی دیگر تهران را ناگزیر ساخته است تا برای بقا تنها به خود و توانایی‌های داخلی خود تکیه نماید (متقی، ۱۳۸۹: ۲۰۰-۲۰۱). این مؤلفه، امکان بازی قدرت‌های بزرگ با کارت ایران در برابر ایالات متحده را تا حدودی منتفی ساخته و دیپلماسی قهری واشنگتن علیه تهران را محدود می‌سازد.

منظور از تنهایی راهبردی، فقدان مناسبات تهران با قدرت‌های بزرگ نیست، بلکه به معنای عدم پیوند زدن سرنوشت کشور به اراده خارجی فهم می‌شود. این مفهوم را می‌توان با تکیه بر دوگانه امنیت درون‌زا^۲ / امنیت برون‌زا^۳ توضیح داد. در حالت امنیت درون‌زا، امنیت شبکه یا سیستم از سوی بازیگران داخل شبکه تأمین می‌شود، در حالی که تأمین تمام یا بخشی از امنیت در حالت امنیت برون‌زا از سوی یک یا چند مدافع بیرونی صورت می‌پذیرد (de Witte, 2015: 11). به عبارت بهتر، تنهایی راهبردی بیش از آنکه نمود عینی داشته باشد، یک مفهوم و احساس ذهنی است. این احساس در کنار احساس ناعادلانه بودن نظم بین‌المللی حاکم بر مناسبات میان بازیگران نظام بین‌الملل به احساس عدم اعتماد تهران نسبت به نهادهای بین‌المللی منجر شده است (Tabatabai, 2019: 5). رهبران ایران تلاش داشته‌اند تا این احساس آسیب‌پذیری از بیرون را با تقویت بنیه دفاعی کشور و از آن مهم‌تر از طریق تشویق مشارکت جمعی شهروندان در اداره امور کشور از جمله دفاع از میهن جبران نمایند (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۶۲).

۴-۸ خوداتکایی

ایران به‌مثابه یک دولت برجسته شیعه و فارس در منطقه‌ای با اکثریت جمعیت سنی عرب و ترک واقع شده است. علاوه بر این، انگاره‌های ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی ایدئولوژی شیعی تهران به‌ویژه در بدو پیروزی انقلاب اسلامی از سوی بسیاری از حاکمان منطقه که استبداد و سرسپردگی به غرب (و بعضاً شرق) دو خصیصه برجسته اغلب آن‌ها به شمار می‌آمد به‌مثابه نوعی تهدید محسوب می‌شد. در چنین شرایطی، حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) با طرح انگاره «نه شرقی، نه غربی» پایه‌های خوداتکایی حداکثری جمهوری اسلامی ایران را بنا نهادند (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۴۴-۴۵). جمهوری اسلامی ایران همکاری‌های راهبردی نزدیکی با دولت‌های مخالف «نظم بین‌المللی آمریکایی-محور مستقر» از جمله با چین و روسیه در حوزه‌های نظامی و امنیتی اتخاذ کرده است (Shimizu, 2020: 140)، اما در عین حال استقلال حداکثری تهران به مقام‌های ایرانی به‌راحتی امکان مخالفت با خواسته‌های پکن و مسکو را می‌دهد. به لحاظ راهبردی این سطح از خوداتکایی حتی مانع فشار دشمنان ایران به چین و روسیه برای متقاعد ساختن تهران می‌شود.

۱. Strategically Lonely

۲. Endogenous Security

۳. Exogenous Security

۴-۹ رسالت رهبری اسلام و منطقه

سرزمین ایران در بیشتر طول تاریخ چند هزار سال گذشته به لحاظ حاکمیتی یکپارچه بوده و در جایگاه قدرت اصلی منطقه غرب آسیا قرار داشته است. در دوران معاصر نیز برخی کشورهای همسایه که امروزه دولت‌های مستقل به شمار می‌آیند یا بخشی از سرزمین آن‌ها را تشکیل می‌دهند در درون قلمروی سیاسی و حاکمیتی ایران واقع بوده‌اند. ورود اسلام به ایران نیز روح تازه‌ای به کالبد جامعه اسلامی دمید و این سرزمین و مردمان آن در ادامه عصر طلایی اسلام^۱ را رقم زدند (Spuler, 2015: 213). ایران همچنین به تدریج به کانون محبان و ارادتمندان اهل بیت (علیه‌السلام) تبدیل شد و پرچم اسلام راستین محمدی و مذهب تشیع را در منطقه و جهان اسلام برافراشت. پیروزی انقلاب اسلامی بار دیگر با زنده کردن این روایت‌ها بر انتظارات داخلی و بیرونی برای نقش‌آفرینی فعال‌تر جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان اسلام افزود. رهبران جمهوری اسلامی ایران نیز این رسالت را تا جایی که در تضاد با اصل عدم‌مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها قرار نداشت (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۱۵) و از سوی جوامع میزبان استقبال می‌شد، دنبال نمود.

فرهنگ راهبردی ایرانیان به مردمان و نخبگان این کشور اجازه نمی‌دهد که خود را از مشکلات منطقه و جهان اسلام جدا نگه‌دارند و پیروزی انقلاب اسلامی با فراهم ساختن زمینه‌های تحقق این رسالت در داخل و ایجاد نور امید در دل آزادی‌خواهان جهان به سمتی سوق یافت که این بخش از فرهنگ ایرانی در عمل به یکی از عناصر راهبرد دفاعی کشور تبدیل شد. این مؤلفه، عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران را از شبه‌قاره هند تا ساحل مدیترانه و از آسیای مرکزی و قفقاز تا صحرای آفریقا امتداد داده است (Wehrey et al., 2009: 13). نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی ایران که راهبرد پردازان غربی از آن‌ها با عنوان نیروهای نیابتی تهران یاد می‌کنند با برهم زدن محاسبه‌های دشمن در شرایط نبرد نامتقارن از جمله بزرگ‌ترین موانع موفقیت دیپلماسی اجبار واشنگتن علیه تهران به شمار می‌آیند.

۵- نتیجه‌گیری

بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده فرهنگ راهبردی ایرانیان در حوزه دیپلماسی و دفاعی را می‌توان ذیل نه مفهوم «شهادت‌طلبی»، «مقاومت»، «تأکید بر بازدارندگی»، «انعطاف‌پذیری تاکتیکی»، «ابهام راهبردی»، «صبر راهبردی»، «خوداتکایی»، «تنهایی راهبردی و احساس آسیب‌پذیری» و «رسالت رهبری اسلام و منطقه» مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. مفاهیم نه‌گانه بالا در تعامل با یکدیگر ویژگی‌هایی را پدید آورده‌اند که در مواجهه با فشارهای ایالات متحده بر جمهوری اسلامی نقش حائز اهمیتی ایفا می‌کنند. «دست یافتن به حقیقت توکل» نخستین ویژگی برجسته فرهنگ راهبردی ایرانیان در چگونگی مواجهه با فشارهای واشنگتن محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با توکل به خدا و وعده نصرت الهی از مخلوق خداوند در هراس نیست و با عزمی راسخ و اراده‌ای قوی در برابر زیاده‌خواهی‌های واشنگتن و همه مستکبرین عالم ایستاده است. ویژگی دوم که تا حد زیادی از ویژگی نخست سرچشمه گرفته، «شجاعت» است که بسیاری از معادلات و محاسبات دشمن را برهم زده است. این ویژگی در کنار «زیرکی و خردگرایی» به‌مثابه ویژگی سوم باعث شده است تا تهران از نبرد نامتقارن با واشنگتن سربلند بیرون آید.

زیرکی و خردگرایی نهفته در فرهنگ رهبری و تصمیم‌سازی‌های راهبردی طی چهار دهه گذشته به‌ویژه در «رهبری هوشمندانه و مدبرانه» متبلور شده است که می‌توان آن را به‌مثابه ویژگی چهارم شناسایی کرد. قرار گرفتن فردی صالح، عادل،

^۱ Islamic Golden Age

عالم، بصیر، شجاع، دانا و توانا در سمت فرماندهی کل قوای جمهوری اسلامی امتیاز بسیار برجسته‌ای برای نیروهای مسلح ایران به شمار می‌آید که اتخاذ تصمیم‌های راهبردی بر پایه ترکیب شرایط دنیوی با بصیرت‌های اخروی و لحاظ خشنودی خداوند و مصلحت جامعه اسلامی مهم‌ترین آن است. ویژگی «ماهیت ترکیبی و چندبعدی» در بسیاری دیگر از ابعاد فرهنگ راهبردی ایرانیان که در جهت خنثی‌سازی فشارهای واشنگتن علیه تهران به کار گرفته شده است نیز به چشم می‌خورد و آن را می‌توان ویژگی پنجم برشمرد. ترکیب رویکردهای آفندی و پدافندی و ترکیب استفاده از قدرت نرم و سخت در مواجهه با تهدیدهای ایالات متحده دو نمونه از مهم‌ترین کاربرد این ویژگی محسوب می‌شوند. دیپلماسی اجبار ماهیتی خود تقویت‌کننده دارد و به دومینویی می‌ماند که موفقیت آن در هر گام ضامن پیروزی در گام بعدی خواهد بود. ویژگی‌های نهفته در فرهنگ راهبردی ایرانیان همچون «زیرکی» و «رهبری هوشمندانه و مدبرانه» باعث شده است تا تهران هیچ‌گاه در مقابل باج‌خواهی‌های واشنگتن کوتاه نیاید. به همین دلیل، برهم‌کنش‌های چهار دهه گذشته میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده یا بر پایه اصل «امتیاز در برابر امتیاز» یا «عمل متقابل» بوده است.

با این تفاسیر، راه‌کارهای ذیل برای بهره‌برداری حداکثری از امتیازات و مزایای فرهنگ راهبردی ایرانیان برای تضعیف هرچه بیشتر دیپلماسی اجبار ایالات متحده علیه تهران پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تشریح ماهیت خود تقویت‌کننده دیپلماسی اجبار و دومینویی زیاده‌خواهی‌های واشنگتن برای افکار عمومی داخل؛
- ۲- توجه به همه لایه‌های فرهنگ راهبردی ایرانیان اعم از ایرانی، اسلامی و انسانی؛
- ۳- تلاش برای ترویج انگاره «فرهنگ راهبری ایرانیان» به جای «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران» در ادبیات دانشگاهی و محافل رسانه‌ای به هدف حذف فاصله ذهنی میان ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی؛
- ۴- تلفیق سازنده‌تر ویژگی «خردگرایی و زیرکی» با ویژگی «شجاعت» در تدوین راهبردهای مواجهه با فشارهای ایالات متحده علیه ایران؛
- ۵- یکپارچه دیدن عناصر و ویژگی‌های فرهنگ راهبری ایرانیان در حوزه دیپلماسی و دفاعی و پرهیز از نگاه حذفی به برخی از آنها برای برجسته‌سازی برخی دیگر.

منابع

- آنا، (۱۳۹۹)، «تعداد دانشجویان شهید مدافع حرم دانشگاه آزاد اسلامی ۶۵ نفر است»، ۲۵ آبان، قابل دسترس: <https://www.ana.press/news/540721>
- ابوالفتحی، محمد و سعید پیرمحمدی، (۱۳۹۳)، «تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه»، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۲، شماره ۸۶، تابستان.
- اسدی، ناصر، (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمانی سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای (گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه)»، فصلنامه سیاست اسلامی، سال ۲، شماره ۵، بهار و تابستان.
- اسدی، ناصر، (۱۳۸۸)، «دیپلماسی اجبار: بررسی سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال عراق (۱۹۹۰-۲۰۰۳)»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱، شماره ۳، پاییز.
- امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه).
- امینیان، بهادر و علی صانعیان، (۱۳۹۶)، «دیپلماسی اجبارآمیز و حقوق بین‌الملل: با تأکید بر نقش شورای امنیت»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۱، شماره ۲، تابستان.
- ایسنا، (۱۳۹۹)، «تعداد شهدای ایران چقدر است؟»، کد خبر: ۹۹۱۲۲۱۱۶۱۹۰، ۲۲ اسفند، قابل دسترس: <https://www.isna.ir/news/99122116190>
- ایمانی فر، حمیدرضا، مصطفایی، علی و محمودی، سیروس، (۱۳۹۹)، «تدوین مدل شهادت‌طلبی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی با نقش واسطه‌ای نگرش مذهبی و عمل به باورهای مذهبی در دختران بسیجی»، فصلنامه روانشناسی نظامی، دوره ۱۱، شماره ۴۳.
- ترابی، قاسم و علیرضا رضایی، (۱۳۹۰)، «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۵۴، زمستان.
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۳)، «بیانات در دیدار مردم قم»، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=28598&nt=2&year=1393&tid=1226>
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۶)، «دیدار کارگران با رهبر انقلاب»، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=36353>
- سبزواری، اصغر، (شهریور ۱۳۹۵)، «فرهنگ شهادت‌طلبی به‌عنوان سرمایه اجتماعی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، قابل دسترس در: <http://old.iaush.ac.ir/defence/portal/main/r/?lan=18&nid=42>
- شاملو، رضا و بهروز تسلیمی کار، (۱۳۹۸)، «تبیین نقش پدافند هوایی در ارتقای توان دفاعی ج.ا.ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۷، شماره ۶۷، پاییز.
- شیرخانی، محمدعلی و ستاره طاهرخانی، (۱۳۹۵)، «آزمون استراتژی‌های قهری قدرت‌های بزرگ در منازعات نامتقارن با بهره‌گیری از نظریه هان»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان.
- طارمی، کامران، (۱۳۹۵)، «تأثیر دیدگاه‌های امام خمینی بر فرهنگ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان.
- عالی‌شاهی، عبدالرضا؛ مسعود نیا، حسین و فروزان، یونس، (۱۳۹۸)، «جریان صدر و ظهور واپس‌گرایی هویتی در جبهه مقاومت در دو بعد کلان سخت و نرم»، فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۳۸.

- عسگری، محمود، (۱۳۹۷)، «فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران؛ عوامل و ویژگی‌ها»، فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار.
- عین‌الهی معصوم، بهرام، (۱۳۹۸)، «نقش و کارکرد گروه‌های پاد سامانه‌ای (ضد سیستمی) در سامانه بازدارندگی غرب آسیا (کاربست دیدگاه غربی - آمریکایی در تکوین نظم بومی منطقه‌ای)»، مجله سیاست دفاعی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۶، بهار.
- قاسمی، بهزاد، (۱۳۹۷)، «ارزیابی تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۷، سال ۴.
- کاظمی، احسان، (پاییز ۱۳۹۸)، «راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران با تأکید بر اولویت‌بندی مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۷، شماره ۶۷.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «شاخص‌ها و کارکرد سیاست خارجی تعامل ضد نظام سلطه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره ۸، شماره ۳۰، پاییز.
- محمدی مصیری، علی (۱۳۹۹)، «شهادت سپهبد قاسم سلیمانی بازتولید امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۳، شماره ۴۹.
- مسعود نیا، حسین، حسینی، علی و نجات محمدی فر، (۱۳۹۳)، «نقش فرهنگ سیاسی شیعه در میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۷، شماره ۶۳، تابستان.
- ولی‌زاده، اکبر، فیروزیان حاجی، غلامرضا و مرتضی شجاع، (۱۳۹۴)، «درآمدی بر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۳، تابستان.

- Art, R. & Cronin, P. (2003). *The United States and Coercive Diplomacy*, Washington, DC., United States Institute of Peace Press.
- CNBC (2020). "Expert: Iran's Direct Attack on US Military Bases Was "Not at All" Surprising", available at: <https://www.cnbc.com/video/2020/01/08/expert-irans-direct-attack-on-us-military-bases-was-not-at-all-surprising.html> [accessed 24 July 2020].
- De Witte, B. (2015). "Network Games, Information Spread and Endogenous Security, Master Thesis Applied Mathematics Faculty of Electrical Engineering", *Mathematics and Computer Science (EEMCS)*, University of Twente, Available at: <https://www.utwente.nl/en/eemcs/sacs/teaching/Thesis/witte.pdf> [accessed 2 September 2020].
- Eisenstadt, M. (2015). "The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran: Religion, Expediency, and Soft Power in an Era of Disruptive Change", Middle East Studies at Marine Corps University (MES), *MES Monographs*, No. 7, available at: https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/MESM_7_Eisenstadt.pdf [accessed 24 July 2020].
- Ellsberg, D. (1968). "The Theory and Practice of Blackmail", *The RAND Corporation*, available at: <https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/papers/2005/P3883.pdf> [accessed 29 March 2020].
- George, A. L. (2009). *Forceful Persuasion: Coercive Diplomacy as an Alternative to War*, Washington, DC., United States Institute of Peace Press.
- George, A. L., Hall, D. K. & Simons, W. E. (1971). *The Limits of Coercive Diplomacy; Laos, Cuba, Vietnam*, Boston, Little.
- Gerami, N. (2018). "Iran's Strategic Culture: Implications for Nuclear Policy", In J. L. Johnson, K. M. Kartchner and M. J. Maines (Eds.), *Crossing Nuclear Thresholds*, Gewerbestrasse, Palgrave Macmillan.
- Gray, C. S. (1981). "National Styles in Strategy: The American Example", *International Security*, 6(2), doi: 10.2307/2538645.
- Halm, H. (2007). *The Shi'ites: a Short History*, Princeton, Markus Wiener Publishers.
- Jakobsen, P. (1998). *Western Use of Coercive Diplomacy after the Cold War; A Challenge for Theory and Practice*, London, Macmillan.

- Jakobsen, P. (1998). *Western Use of Coercive Diplomacy after the Cold War; A Challenge for Theory and Practice*, London, Macmillan.
- Mesbahi, M. (2011). "Free and Confined: Iran and the International System", *Iranian Review of Foreign Affairs*, 5(2).
- Mohseni-Cheraghloou, E. (2015), *When Coercion Backfires: The Limits of Coercive Diplomacy in Iran*, Dissertation submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, Faculty of the Graduate School, University of Maryland, available at: [https:// pdfs. semanticscholar.org/f5d0/1c7d71d1df0a9112eaf3dd3ac66b43490c1c.pdf](https://pdfs.semanticscholar.org/f5d0/1c7d71d1df0a9112eaf3dd3ac66b43490c1c.pdf) [accessed 20 July 2020].
- Pollack, K. (2004). *The Persian Puzzle: The Conflict Between Iran and America*, New York: Random House.
- Sauer, T. (2007). "Coercive Diplomacy by the EU: The Case of Iran", In D. Kelly (Ed.), *Discussion Papers in Diplomacy*, Hague, Netherlands Institute of International Relations Clingendael.
- Schelling, T. C. (1960). *The Strategy of Conflict*, Cambridge, Harvard University Press.
- Schelling, T. C. (1966). *Arms and Influence*, New Haven, Yale University Press.
- Shimizu, K. (2020). "Beyond West and East: IR Intellectual Traditions?", In T. Inoguchi (Ed.), *The Sage Handbook of Asian Foreign Policy* (pp. 139-158), London, SAGE Publications Ltd, doi: 10.4135/9781526436078.n8.
- Spuler, B. (2015). *Iran in the Early Islamic Period: Politics, Culture, Administration and Public Life Between the Arab and the Seljuk Conquests, 633–1055*, Leiden, Brill, doi: 10.1163/9789004282094.
- Stanley, W. (2009). "Iranian Strategic Culture and Its Persian Origins", In J. L. Johnson, K. M. Kartchner and J. A. Larsen (Eds.), *Strategic Culture and Weapons of Mass Destruction: Initiatives in Strategic Studies: Issues and Policies* (pp. 137-156), Palgrave Macmillan, New York, doi: 10.1057/9780230618305_9.
- Tabatabai, A. (2019). "Back to Crisis Mode: Iran's Quest to Manage Internal Crises and External Pressures", *IAI Papers*, 19(2), available at: <https://www.cnbc.com/video/2020/01/08/expert-irans-direct-attack-on-us-military-bases-was-not-at-all-surprising.html> [accessed 28 July 2020]
- Taremi, K. (2014). "Iranian Strategic Culture: The Impact of Ayatollah Khomeini's Interpretation of Shiite Islam", *Contemporary Security Policy*, 35(1), doi: 10.1080/13523260.2014.884341.
- Thaler, D., Nader, A., Chubin, S., Green, J., Lynch, C., & Wehrey, F. (2010). "Assertiveness and Caution in Iranian Strategic Culture", In D. Thaler, A. Nader, S. Chubin, J. Green, C. Lynch, and F. Wehrey (Eds.), *Mullahs, Guards, and Bonyads: An Exploration of Iranian Leadership Dynamics* (pp. 5-20), Santa Monica, RAND Corporation, available at: [https:// www. rand. org/ content/ dam/ rand/ pubs/ monographs/ 2009/ RAND_ MG878. pdf](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2009/RAND_MG878.pdf) [accessed 23 July 2020].
- Wehrey, F., Thaler, D., Bensahel, N., Cragin, K., Green, J., Kaye, D. D., Oweidat, N. & Li, J. (2009). *Dangerous But Not Omnipotent: Exploring the Reach and Limitations of Iranian Power in the Middle East*, Santa Monica, RAND Corporation, available at: [https:// www. rand. org/ content/ dam/ rand/ pubs/ monographs/ 2009/ RAND_ MG781. pdf](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2009/RAND_MG781.pdf) [accessed 23 July 2020].

Iranian Strategic Culture and the Limitations of Washington's Coercive Diplomacy Against Tehran

Majid Gholampour¹, Ghaffar Zarei², Ali Mohammad Haghighi³

Received:2021/09/01

Accepted:2021/12/11

Abstract

This study is to "evaluate the impact of Iranian strategic culture on Tehran's response to Washington's coercive diplomacy. The question is, "How has the strategic culture of Iran affected its response to Washington's will i.e. giving up the ideals of the Islamic Revolution. The findings of the study, obtained through an inferential methodology and analyzed relying on the power of individual understanding, show that the nine components of Iranian strategic culture in regard of diplomacy and defense, including "martyrdom", "resistance", "emphasis on deterrence", tactical flexibility, "Strategic ambiguity", "strategic patience", "self-reliance", "strategic loneliness and a sense of vulnerability" and "the mission of the leadership of Islam and the region" and its 5 characteristics including "achieving the truth of trust", "courage", "rationalism", "intelligent and thoughtful leadership" and "hybrid and multidimensional nature has led Iran to understand the extravagant and self-reinforcing nature of coercive diplomacy and the importance of resisting US pressure and to prevent an onset for the domino of being blackmailed by US. Thus, the interactions between Iran and US during the past four decades have been based on either the principle of "privilege for privilege" or "reciprocity."

Keywords: Coercive Diplomacy, Iranian Strategic Culture, Rationalism, Resistance, Tactical flexibility

¹. Ph.D. Student, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran.

². Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. (Corresponding Author's E-mail: ghafarzarei@yahoo.com)

³. Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran.